



مدرسایان شریف

CHAPTER ONE

« ادبیات فارسی (Persian Literature) »

Introduction

Literature is a body of written works. The name has traditionally been applied to those **imaginative** works of **poetry** and **prose** distinguished by the **intentions** of their **authors** and the perceived **aesthetic excellence** of their execution. Literature may be classified according to a variety of systems, including language, national origin, historical period, **genre**, and subject matter.

مقدمه

ادبیات مجموعه‌ای از آثار نوشته شده است. از دیرباز این نام بر آن آثار ذهنی شعر و نثر اطلاق گردیده که توسط نیات نویسندگان و برتری زیباشناختی اجرای آنها متمایز می‌شوند. ادبیات ممکن است بر اساس سیستم‌های مختلف از جمله زبان، خاستگاه ملی، دوره تاریخی، ژانر و موضوع مورد طبقه‌بندی قرار گیرد.

Definitions of the word *literature* tend to be circular. The 11th edition of *Merriam-Webster's Collegiate Dictionary* considers literature to be “writings having excellence of form or **expression** and expressing ideas of **permanent** or universal interest.” The 19th-century critic Walter Pater referred to “the matter of imaginative or artistic literature” as a “transcript, not of **mere** fact, but of fact in its infinitely varied forms.” But such definitions assume that the reader already knows what literature is. Deriving from the Latin *littera*, “a letter of the alphabet,” literature is first and foremost humankind's entire body of writing; after that, it is **individual** pieces of writing.

تعریف‌های واژه ادبیات دایره‌وار هستند. ویرایش یازدهم دیکشنری دانشگاهی «مریام وبستر»، ادبیات را به عنوان نوشته‌هایی که دارای برتری حالت و بیان باشند در نظر می‌گیرد که ایده‌های ثابت و یا جهانی را بیان می‌دارند. منتقد قرن نوزدهم، «والتر پتر» به ادبیات خیالی و هنری به عنوان رونوشتی از حقیقت در انواع مختلف و نامحدود آن اشاره کرد. اما این تعریف‌ها این نکته را پیش فرض قرار می‌دهند که خواننده از قبل می‌داند که ادبیات چیست. واژه ادبیات از واژه لاتینی *littera* به معنای حروف الفبا گرفته شده است، ادبیات اولین و برجسته‌ترین مجموعه کامل نوشتاری بشر است و پس از آن قطعه‌های نوشتاری انفرادی (اختصاصی) را نیز شامل می‌شود.

To use the word *writing* when describing literature is itself **misleading**, for one may speak of “oral literature” or “the literature of **preliterate** peoples.” The art of literature is not reducible to the words on the page; they are **solely** there because of the craft of writing. As an art, literature might be described as the organization of words to give pleasure. Yet through words literature **elevates** and transforms experience beyond “mere” pleasure. Literature also **functions** more broadly in society as a means of both criticizing and **affirming** cultural values.

به کار بردن واژه نوشتار در توصیف کردن ادبیات گمراه کننده است، زیرا ممکن است فردی درباره ادبیات شفاهی و یا ادبیات انسان‌های بی‌سواد سخن گوید. هنر ادبیات به واژگان روی کاغذ تقلیل ناپذیر است؛ زیرا این واژگان فقط به خاطر هنر نوشتن در آنجا (بر روی کاغذ) قرار دارند. به عنوان هنر، ادبیات می‌تواند به عنوان مجموعه‌ای از کلمات برای انتقال لذت توصیف گردد. در عین حال، ادبیات از طریق واژگان این تجربه را از لذت محض تغییر شکل داده و بالاتر می‌برد. همچنین ادبیات به طور وسیع‌تری در جامعه به عنوان ابزاری برای نقد و تأیید بر ارزش‌های فرهنگی عمل می‌کند.



Summative Test

👁️ 1- Which one can be a suitable title for the above passage?

- 1) Oral Literature versus Written Literature
- 2) Defining the Concept of Literature
- 3) Literature of the Illiterate
- 4) Social Functions of Literature

👁️ 2- What is the wrong assumption behind the definitions of literature as referred to in the second paragraph?

- 1) They regard literature to be excellent form and shape.
- 2) They only pay attention to the artistic aspect of literature.
- 3) They conceive the reader as familiar with literature.
- 4) The definitions use Merriam-Webster's Dictionary.

👁️ 3- Which of the following is not correct about literature according to the passage?

- 1) Literature can be regarded as the imaginative works of poetry and prose.
- 2) Literature is the first and foremost humankind's entire body of writing.
- 3) Literature is a means of transforming experience to permanent pleasure
- 4) Literature functions in society as a means of criticizing cultural values.

👁️ 4- What does the underlined word it in the second paragraph refer to?

- 1) alphabet
- 2) humankind
- 3) author
- 4) literature

👁️ 5- The word solely in the third paragraph is closest in meaning to:

- 1) together
- 2) merely
- 3) finally
- 4) broadly

Answers

۱- گزینه «۲» کدام عنوان برای متن بالا مناسب می‌باشد؟

- (۱) ادبیات شفاهی در برابر ادبیات نوشته شده
(۲) تعریف مفهوم ادبیات
(۳) ادبیات عامی
(۴) عملکرد اجتماعی ادبیات

۲- گزینه «۳» کدام فرضیه درباره تعریف ادبیات که در پاراگراف دوم بدان اشاره شده، نادرست می‌باشد؟

- (۱) آنها ادبیات را به عنوان عالی‌ترین حالت و شکل در نظر می‌گیرند.
(۲) آنها تنها به جنبه هنری ادبیات توجه می‌کنند.
(۳) آنها، خواننده را به عنوان فردی آشنا با ادبیات در نظر می‌گیرند.
(۴) تعریف‌ها از فرهنگ لغت «مریام وبستر» بدست آمده‌اند.

۳- گزینه «۳» کدام یک از موارد زیر بر اساس متن، درباره ادبیات درست نمی‌باشد؟

- (۱) ادبیات می‌تواند به عنوان آثار ذهنی شعر و نثر در نظر گرفته شود.
(۲) ادبیات اولین و بهترین مجموعه نوشتاری بشر است.
(۳) ادبیات، وسیله‌ای برای تبدیل تجربه به لذت دائمی است.
(۴) در جامعه، عملکرد ادبیات، نقد ارزشهای فرهنگی است.

۴- گزینه «۴» در پاراگراف دوم، کلمه زیر خط دار شده It اشاره دارد به:

- (۱) الفبا
(۲) انسان
(۳) نویسنده
(۴) ادبیات

۵- گزینه «۲» کلمه Solely در پاراگراف سوم از نظر معنایی نزدیک است به:

- (۱) با همدیگر
(۲) فقط، صرفاً
(۳) نهایتاً
(۴) به طور وسیع

Ancient Iran and Old Iranian Languages

The Iranian languages belong, together with the Indo-Aryan languages of the Indian subcontinent, to one of the oldest branches of the Indo-European **linguistic** family. There exist documents written in the Old Iranian languages that have **survived** for nearly three millennia. The oldest texts are the **Gathas**, 16 (or perhaps 17) short **hymns** written in an **archaic** form of an Old Iranian language called Avestan, named for the Avesta, the holy book of Zoroastrianism.

ایران باستان و زبان‌های ایرانی کهن

زبان‌های ایرانی به همراه زبان‌های هندو - آریایی شبه قاره هند، به یکی از قدیمی‌ترین شاخه‌های زبانی هندو - اروپایی تعلق دارند. اسنادی با قدمت نزدیک به سه هزار سال که به زبانهای ایرانی کهن نوشته شده‌اند، وجود دارند. قدیمی ترین متن‌ها، مربوط به گات‌ها یا گاتاها هستند، یعنی ۱۶ و (یا شاید ۱۷) سروده کوتاه که در قالب زبانی ایرانی کهن که زبان اوستایی نامیده می‌شود و نام آن از اوستا یعنی کتاب مقدس زرتشتیان انتخاب شده است.

The Gathas have been handed down as a part of the Avesta along with several more **recent** texts. It is generally accepted that they contain the original teachings of the prophet Zoroaster (Zarathustra), who lived in the first half of the 1st millennium B.C. His hymns show traces of **versification**, the **precise prosody** of which is still imperfectly known.

گات‌ها به عنوان بخشی از اوستا به همراه چندین متن جدیدتر به دست ما رسیده است. به طور کلی پذیرفته شده که این متون دربرگیرنده تعلیمات اصیل زرتشت بوده که در نیمه نخست هزاره اول قبل از میلاد مسیح می‌زیست. سروده‌های وی نشانه‌هایی از شاعری را نشان می‌دهد، مجموعه‌ای از علوم عروضی دقیق که هنوز به صورت کامل شناخته نشده است.

Also important to early Iranian literature are the **remnants** of ancient **myths preserved** in the Avesta, especially in the yashts, which are texts addressed to Iranian **deities**. The names of several kings and heroes who later appear as semi historical figures in Persian epic poetry are also here mentioned.

متون باقی مانده از اسطوره‌های کهن در اوستا خصوصاً در یشت‌ها که الهه‌های ایرانی را مورد خطاب قرار می‌دهند، در ادبیات ایرانی کهن بسیار مهم هستند. همچنین نام‌های چندین شاه و قهرمان که بعدها به عنوان چهره‌های نیمه تاریخی در شعر حماسی فارسی ظاهر می‌شوند در اینجا ذکر شده است.

The only other Old Iranian language found in **extant** texts is the Old Persian used by the Achaemenian kings for **inscriptions**. These inscriptions contain royal edicts and similar texts **composed** in a very formal style; they contributed little to the development of literature in Iran.

تنها زبان ایرانی کهن دیگر که در متون یافت شده، فارسی کهن است که شاهان هخامنشی از این زبان برای نگارش لوح‌ها بهره می‌بردند. این لوح‌ها در برگزیده فرمان‌های سلطنتی و متون مشابهی هستند که در قالب سبک بسیار رسمی نگاشته شده‌اند؛ این متون نقش بسیار ناچیزی را در توسعه ادبیات در ایران به عهده داشته‌اند.

The conquest of the Achaemenian Empire by Alexander the Great about 330 B.C. caused a radical break in Iranian culture. During the new era, which lasted until the Arab conquest of the 7th century B.C., Iran was deeply influenced by Hellenism. Greek and Aramaic became the **dominant** languages. For almost 500 years Iranian languages were not used in writing.

سرکوب امپراطوری هخامنشی توسط اسکندر بزرگ در حدود سال ۳۳۰ قبل از میلاد مسیح باعث یک وقفه اساسی در فرهنگ ایرانی شد. در طول عصر جدید، که تا پیروزی اعراب در قرن هفتم قبل از میلاد مسیح طول کشید، ایران به شدت تحت تأثیر آداب یونانی قرار گرفت. زبان‌های یونانی و آرامی زبان‌های مسلط گردیدند. نزدیک به ۵۰۰ سال زبان‌های ایرانی در نوشتار مورد استفاده قرار نگرفتند.

The oldest preserved documents that use Middle Iranian languages date only from the 3rd century B.C. They **consist of** inscriptions of the Sasanian kings and religious texts of the Manichaeans. The most widely used written language was Middle Persian, better known as Pahlavi. Only a few literary works have survived from this period. After the coming of Islam, these texts were translated from Pahlavi into Arabic prose. Texts written in other Middle Iranian languages, such as Sogdian and Khotanese Saka, had no more than a **marginal** influence on the literature of the Islamic period.

قدیمی‌ترین اسناد به جا مانده که در آنها زبان‌های ایرانی میانه به کار رفته، به قرن سوم قبل از میلاد مسیح باز می‌گردد. این اسناد در برگزیده کتیبه‌های شاهان ساسانی و متون مذهبی مربوط به دین مانوی است. پر کاربردترین زبان نوشتاری، فارسی میانه (مشهور به زبان پهلوی) بود. تنها تعداد معدودی از آثار ادبی این دوره باقی مانده‌اند. بعد از آمدن اسلام، این متون از زبان پهلوی به نثر عربی ترجمه شدند. متون نوشته شده در زبانهای دیگر ایرانی میانه همچون زبان سغدی و زبان سکابی ختنی، تنها تأثیر بسیار اندکی بر ادبیات دوره اسلامی داشتند.



Summative Test

6- What does "Gathas" in the first paragraph refer to?

- 1) A very old branch of the Indo-European linguistic family
- 2) Short hymns written in an archaic Old Iranian language.
- 3) An Old Iranian language used in the holy book of Avesta.
- 4) The original teachings of the prophet Zoroaster (Zarathustra).

7- The "yashts" are texts which ...

- 1) address the names of several Iranian deities, kings and heroes.
- 2) show traces of versification and a precise prosody.
- 3) contain inscriptions of royal edicts and similar texts.
- 4) describe the conquest of the Achaemenian Empire by Alexander.

8- For what reason Iranian languages were not used in writing for almost 500 years?

- 1) The marginal influence of Sogdian and Saka on the literature of Islamic period.
- 2) Their very formal style which contributed little to the development of literature in Iran.
- 3) People hated names of kings and heroes which were mentioned in Persian epic poetry.
- 4) The dominance of Greek and Aramaic languages under the influence of Hellenism.

9- The oldest documents that use Middle Iranian languages consist of ...

- 1) inscriptions and religious texts.
- 2) short hymns in archaic form.
- 3) remnants of ancient myths.
- 4) royal edicts and formal texts.

10- Which one is closest in meaning to the word "precise" in the second paragraph?

- 1) tolerant
- 2) superficial
- 3) accurate
- 4) prevalent

Answers

۶- گزینه «۲» واژه Gathas در پاراگراف اول به چه چیزی اشاره می‌کند؟

- ۱) یک شاخه بسیار قدیمی از خانواده زبانی هندو - اروپایی
- ۲) سرودهای کوتاه نوشته شده در زبان ایرانی کهن
- ۳) یک زبان ایرانی کهن که در کتاب مقدس اوستا به کار رفته است.
- ۴) آموزه‌های اصیل زرتشت

۷- گزینه «۱» «یشت‌ها» متونی هستند که

- ۱) نام الهه‌ها، شاهان و قهرمانان ایرانی را مورد توجه قرار می‌دهند.
- ۲) نشانه‌هایی از شاعری و علوم عروضی را نشان می‌دهند.
- ۳) در برگیرنده فرمان‌های سلطنتی و متون مشابهی هستند.
- ۴) سرکوب امپراطوری هخامنشی توسط اسکندر را توصیف می‌کنند.

۸- گزینه «۴» به چه دلیلی، زبان‌های ایرانی برای ۵۰۰ سال در زبان نوشتار مورد استفاده قرار نگرفت؟

- ۱) زبان سغدی و زبان سکایی، تنها تأثیر بسیار اندکی بر ادبیات دوره اسلامی داشتند.
- ۲) سبک بسیار رسمی زبان‌های ایرانی نقش بسیار ناچیزی در توسعه ادبیات در ایران به عهده داشته‌اند.
- ۳) مردمان از نام‌های ایرانی شاهان و قهرمانان که در شعر حماسی فارسی ذکر شده بود، متنفر بودند.
- ۴) برتری زبان‌های آرامی و یونانی تحت تأثیر آداب یونانی

۹- گزینه «۱» قدیمی‌ترین اسنادی که زبان‌های ایرانی میانه را به کار می‌گیرند، عبارتند از:

- ۱) لوح‌ها و متون مذهبی
- ۲) سرودهای کوتاه در فرم کهن
- ۳) متون باقیمانده از اسطوره‌های کهن
- ۴) فرمان‌های سلطنتی و متون رسمی

۱۰- گزینه «۳» کدام واژه از نظر معنایی به واژه precise در پاراگراف دوم نزدیک می‌باشد؟

- ۱) شکبیا
- ۲) سطحی، ظاهری
- ۳) دقیق
- ۴) رایج، متداول



The Emergence of New Persian

Persian was the first language in Muslim **civilization** to break through Arabic's **monopoly** on writing. Already under the Sasanians a standard form of Persian had come into being that was called Farsi-yi Dari. From the center of the empire **it** had spread to the provinces and had even **marginalized** other Iranian languages with a **tradition** of writing, such as Sogdian in Central Asia.

ظهور زبان فارسی جدید

در تمدن اسلامی، فارسی اولین زبانی بود که انحصارگرایی زبان عربی را در نوشتار از بین برد. در طول حکمرانی ساسانیان، حالت استاندارد زبان فارسی به وجود آمده بود که فارسی دری نامیده می‌شد. این زبان از مرکز سلطنت به استان‌ها و نواحی اطراف گسترش یافت و دیگر زبان‌های فارسی را که دارای سنت‌های دیرینه نوشتاری بودند، مانند زبان سغدی در آسیای مرکزی، در حاشیه قرار داد.

In the course of the 9th century, this **prestigious Svariant** of Persian **emerged** again as a written language in the Iranian lands. This New Persian (as it is called by linguists) did not differ very much from the Middle Persian of the Sasanian period except in its vocabulary. Three centuries of Arabic **hegemony** had caused an **influx** of Arabic **loanwords**, which amounted to about half of the total word material of Persian. The Persian alphabet was also **borrowed** from the Arabs. All Arabic loanwords **retained** their original **orthography**.

در قرن نهم، این گونه معتبر زبان فارسی دوباره در سرزمین‌های ایرانی و در قالب زبان نوشتاری ظاهر شد. زبان فارسی جدید جدای از واژگان آن تفاوت چندانی با زبان فارسی میانه در دوره ساسانیان نداشت. سه قرن برتری و چیرگی زبان عربی باعث هجوم وام واژه‌های (واژه‌های وام گرفته شده) عربی به نیمی از کل واژگان فارسی گردیده بود. حتی الفبای زبان فارسی نیز از عرب‌ها گرفته شد. تمامی وام واژه‌های عربی صورت نوشتاری اصلی‌اشان را حفظ کردند.

The **emergence** of written Persian was **facilitated** by the political **fragmentation** of the Caliphate. A number of semi-independent rulers came to power who only in name accepted the rule of the Abbasids. The most successful were the Samanid emirs of Bukhara in western Central Asia. The Samanids belonged to the Iranian **aristocracy** and even claimed a **pedigree** going back to the Sasanian kings. Though they remained **faithful** to Islam, they did much to **promote** the literary use of Persian and the survival of Iranian traditions.

ظهور فارسی نوشتاری در اثر تزلزل سیاسی خلافت، تسهیل شد. تعدادی از حاکمان نیمه مستقل که فقط به ظاهر حاکمیت عباسیان را پذیرفته بودند به قدرت رسیدند. موفق ترین آنان، امیران سامانی بخارا در آسیای مرکزی غربی بودند. سامانیان به طبقه اشراف ایرانی تعلق داشتند و حتی ادعا می‌کردند که شجره نامه خانوادگی آنها به شاهان ساسانی باز می‌گردد. اگر چه آنها به اسلام وفادار باقی ماندند اما تلاش بسیاری را در جهت ارتقای کاربرد ادبی فارسی و احیای سنت‌های ایرانی انجام دادند.

Summative Test

🐞 11- “Iranian languages with a tradition of writing” in the first paragraph may refer to the languages that

- 1) were very dominant in their region.
- 2) had their own system of alphabet and writing.
- 3) had great authors and poets of their own.
- 4) All of the above.

🐞 12- Which one could be regarded as a proper title for the second paragraph?

- 1) Persian alphabet in Arabic orthography.
- 2) Influx of Arabic loanwords to Persian.
- 3) Evolution of New Persian in the 9th century.
- 4) Farsi-yi Dari marginalizing other languages.

🐞 13- The political fragmentation of the Caliphate

- 1) facilitated the influx of Arabic loanwords,
- 2) contributed to the advent of New Persian.
- 3) empowered the ruling Arab aristocracy.
- 4) promoted the pedigree of Samanid kings.

🐞 14- What does the pronoun “it” in the first paragraph refer to:

- 1) Farsi-yi Dari
- 2) Iranian languages
- 3) Muslim civilization
- 4) Samanid Empire

🐞 15- The word “faithful” in the last paragraph is closest in meaning to:

- 1) loyal
- 2) frail
- 3) infidel
- 4) meek



مدرسای شریف

CHAPTER TWO

« ژانرهای ادبی (Literary Genres) »

Literature as a Collection of Genres

Critics have **invented** a **variety** of systems for treating literature as a collection of genres. Often these genres are **artificial**, invented after the fact with the aim of making literature less sprawling, more tidy. Theories of literature must be based upon direct experience of the living texts and so be **flexible** enough to **contain** their individuality and variety. What actually happened, and in what way did literature **evolve** up to the present day?

ادبیات به عنوان مجموعه‌ای از ژانرها

منتقدان سیستم‌های مختلفی را برای تلقی کردن ادبیات به عنوان مجموعه‌ای از ژانرها اختراع کرده‌اند. اغلب این ژانرها مصنوعی هستند و با هدف مرتب کردن و منظم کردن ادبیات به وجود آمده‌اند. تئوری‌های ادبیات بایستی بر اساس تجربه‌های مستقیم از متن‌های موجود باشد و بایستی انعطاف کافی را برای در بر گرفتن تنوع و هویت مستقل آن آثار داشته باشد. دقیقاً چه اتفاقی افتاد و به چه صورت ادبیات تا کنون رشد و تکامل یافت؟

There is a surprising variety of **oral** literature among surviving preliterate peoples, the **indications** are that the important literary genres all existed at the beginning of civilized societies: **heroic epic**; songs in **praise** of priests and kings; stories of **mystery** and the **supernatural**; love **lyrics**; personal songs (the result of **intense meditation**).

تنوع وسیعی از ادبیات شفاهی در میان افراد بی‌سواد وجود دارد، دلایلی دال بر این امر وجود دارد که مهم‌ترین ژانرهای ادبی از ابتدا در جوامع متمدن وجود داشتند: حماسه قهرمانانه، سروده‌هایی در حمد و ثنای شاهان و کشیشان، داستان‌های رمزآلود و ماورالطبیعه؛ اشعار غنائی عاشقانه؛ شعرهای فردی (که نتیجه تفکرات و تأملات عمیق بودند).

Love stories; tales of **adventure** and heroism (of common characters, as distinct from the heroic epics of the upper classes); satire; **ballads** and **folktales** of **tragedy**; folk stories, such as the tale of the clever boy who performs impossible tasks, **outwits** all his **adversaries**, and usually wins the hand of the king's daughter.

داستان‌های عاشقانه، داستان‌های ماجراجویانه و قهرمانانه (که مربوط به شخصیت‌های عادی بودند و از حماسه‌های قهرمانانه که مربوط به طبقه بالای جامعه بودند متمایز بودند)؛ هجو؛ تصنیف و یا داستان‌های عامیانه تراژیک؛ و یا داستان‌های عامیانه همچون داستان پسر باهوشی که کارهای ناممکن را انجام می‌دهد و از تمامی رقیبانش باهوش‌تر است و نهایتاً با دختر شاه عروسی می‌کند.

Animal **fables** like those **attributed** to Aesop; **riddles**, **proverbs**, and philosophical **observations**; **hymns**, **incantations**, and mysterious songs of priests; and finally actual **mythology**—stories of the origin of the world and the human, and of the gods and **demigods**.

حکایات حیوانات مانند همان‌هایی که به ازوپ نسبت داده شده؛ چیستان‌ها، ضرب‌المثل‌ها، و مشاهدات فلسفی، سروده‌ها، وردها، اشعار رمزآلود کشیشان، و نهایتاً اسطوره‌های واقعی - داستان‌هایی از پیدایش دنیا و انسان و یا خدایان و نیمه خدایان.



Summative Test

👁️ 1- Which of the following can be a better substitute for the title of the passage?

- 1) Artificial Invention of Literary Genres to Make Varieties of Literature
- 2) Literature of Preliterate People at the Beginning of Civilized Societies
- 3) Theories of Literature Based on the Experience of Individual Critics
- 4) The Evolution of Literary Genres from the Variety of Oral Literature

👁️ 2- The author of the above passage tries to elaborate on his argument by

- 1) categorizing the different types of literary genres.
- 2) giving examples of the variety of oral literature.
- 3) showing the advantages and disadvantages.
- 4) mentioning the causes and outcomes of the topic.

👁️ 3- Based on the passage, the clever boy who outwits all his adversaries and wins the hand of the king's daughter, is an instance of a

- 1) folk story.
- 2) satire.
- 3) love story.
- 4) ballad.

👁️ 4- The underlined word "adversary" is closest in meaning to:

- 1) rival
- 2) pal
- 3) mate
- 4) victim

👁️ 5- Stories of the origin of the world and the human, and of the gods and demigods are regarded as:

- 1) fables
- 2) incantations
- 3) mythologies
- 4) riddles

Answers

۱- گزینه «۴» کدام یک از گزینه‌های زیر می‌تواند جایگزین خوبی برای عنوان متن باشد؟

- (۱) اختراع ساختگی ژانرهای ادبی برای ساختن گونه‌های ادبی (۲) ادبیات افراد بی‌سواد در آغاز جوامع متمدن
(۳) تئوری‌های ادبی بر اساس تجارب منتقدان فردی (۴) تکامل ژانرهای ادبی از تنوع ادبیات شفاهی

۲- گزینه «۲» نویسنده متن بالا سعی دارد تا به توضیح استدلال خود از طریق

- (۱) دسته بندی کردن انواع مختلف ژانرهای ادبی بپردازد. (۲) مثال‌هایی از تنوع ژانر ادبی بپردازد.
(۳) نقاط قوت و ضعف را نشان دهد. (۴) به بررسی علت‌ها و نتایج موضوع بپردازد.

۳- گزینه «۱» بر اساس متن، پسر باهوشی که کارهای ناممکن را انجام می‌دهد و از تمامی رقیبانش باهوش‌تر است و نهایتاً با دختر شاه عروسی می‌کند، مثالی از است.

- (۱) داستان عامیانه (۲) طنز (۳) داستان عاشقانه (۴) تصنیف

۴- گزینه «۱» واژه خط دار شده adversary از لحاظ معنایی نزدیک است به:

- (۱) رقیب، حریف (۲) یار، شریک (۳) همسر، رفیق (۴) قربانی

۵- گزینه «۳» داستان‌هایی از پیدایش دنیا و انسان و یا خدایان و نیمه خدایان به عنوان در نظر گرفته می‌شوند.

- (۱) حکایت (۲) افسون‌گری (۳) اسطوره‌شناسی (۴) چیستان

Classical Persian Poetry

Classical Persian poetry is always **rhymed**. The **principal** verse forms are the qasida, masnavi, ghazal and rubai. The qasida or ode is a long poem in mono-rhyme, usually of a panegyric, didactic or religious nature; the masnavi, written in rhyming couplets, is employed for **heroic**, romantic, or narrative verse; the ghazal (ode or lyric) is a comparatively short poem, usually **amorous** or **mystical** and varying from four to sixteen couplets, all on one rhyme. A **convention** of the ghazal is the introduction, in the last couplet, of the poet's pen name (takhallus). The rubai is a quatrain with a particular meter, and a collection of quatrains is called "rubaiyyat" (the plural of rubai). Finally, a collection of a poet's ghazals and other verse, arranged alphabetically according to the rhymes, is known as a divan.

شعر فارسی کلاسیک

شعر کلاسیک فارسی همواره دارای قافیه می‌باشد. انواع شعری اصلی عبارتند از قصیده، مثنوی، غزل و رباعی. قصیده یک شعر طولانی تک قافیهای است که دارای ماهیت ستایش‌آمیز، تعلیمی و یا مذهبی است؛ شعر مثنوی در ابیات قافیه دار نوشته می‌شود و در اشعار رمانتیک حماسی و یا اشعار روایی به کار می‌رود؛ غزل یک شعر نسبتاً کوتاه است که غالباً در اشعار دارای مضامین عرفانی و یا عاشقانه به کار می‌رود و طول آن در بین چهار تا شانزده بیت قافیه‌دار در حال تغییر می‌باشد. یک عرف در غزل، معرفی نام مستعار شاعر (تخلص) در بیت پایانی می‌باشد. رباعی یک شعر چهار سطر است که دارای وزنی به خصوص می‌باشد و مجموعه اشعار رباعی، رباعیات نامیده می‌شود. نهایتاً مجموعه اشعار غزل و انواع شعری دیگر که به صورت الفبایی براساس قافیه‌ها تنظیم می‌شوند تحت عنوان دیوان شناخته می‌شوند.

Summative Test

6- What does the passage mainly discuss about?

- 1) The Introduction of Ghazal and Qasida into Persian Poetry
- 2) Defining the Principal Verse Forms of Classical Persian Poetry
- 3) The Didactic and Religious Nature of Classical Persian Poetry
- 4) The convention of Meter and Rhyme in Masnavi and Ghazal

7- Based on the above passage which one is NOT correct?

- 1) Masnavi has rhyming couplets with didactic or religious nature.
- 2) Ghazal is a lyric poem which includes four to sixteen couplets.
- 3) Rubaiyyat is a collection of quatrains with a particular meter.
- 4) Takhallus is the poet's pen name which comes at the end of ghazal.

8- The underlined word "convention" is closest in meaning to:

- 1) paradox
- 2) intention
- 3) prelude
- 4) custom

9- A divan is a

- 1) long poem in mono-rhyme usually panegyric.
- 2) short poem usually amorous or mystical.
- 3) collection of ghazals arranged alphabetically.
- 4) particular meter and a collection of quatrains.

Answers

۶- گزینه ۲ « متن عمدتاً درباره چه چیزی بحث می‌کند؟

- ۱) معرفی غزل و قصیده در شعر فارسی
- ۲) تعریف انواع شعری اصلی در شعر فارسی کلاسیک
- ۳) ماهیت تعلیمی و مذهبی شعر فارسی کلاسیک
- ۴) عرف وزن و قافیه در مثنوی و غزل

۷- گزینه ۱ « بر اساس متن بالا، کدامیک درست نیست؟

- ۱) مثنوی دارای ابیات قافیه دار بوده و دارای ماهیت تعلیمی و مذهبی است.
- ۲) غزل یک شعر غنایی است که شامل چهار تا شانزده بیت می‌باشد.
- ۳) رباعیات گلچینی از اشعار رباعی با وزنی خاص است.
- ۴) تخلص، نام مستعار شاعر است که در پایان غزل می‌آید.

۸- گزینه ۴ « واژه خط‌دار شده convention از لحاظ معنایی نزدیک است به:

- ۱) تناقض
- ۲) قصد، منظور
- ۳) پیش درآمد، مقدمه
- ۴) عرف، سنت

۹- گزینه ۳ « دیوان

- ۱) یک شعر بلند تک قافیهای است که معمولاً مدیحه‌ای است.
- ۲) شعر کوتاهی است که معمولاً عاشقانه یا عرفانی است.
- ۳) مجموعه‌ای از غزلیات است که به صورت الفبایی تنظیم شده است.
- ۴) مجموعه‌ای از رباعیات است و وزن مخصوص دارد.



Mirror for Princes

During the first five centuries of Modern Persian literary life, a **multitude** of prose works were written. Among them, the “Mirror for Princes” **deserves** special mention. This **genre**, introduced from Persian into Arabic as early as the 8th century, **flourished** once more in Iran during the late 11th century. One important example is the *Qabus-nameh* by the Zeyarid prince ‘Onsor ol-Maali Keykavus (died 1098), which presents “a **miscellany** of Islamic culture in pre-Mongol times.” At the same time, Nizam al-Mulk (died 1092), the grand vizier of the Seljuqs, composed his *Seyasat-nameh* (“Book of Government”), a good introduction to the statesman's craft according to medieval Islamic standards.

آینه‌ی شهریاران

در طی پنج قرن نخستین از زندگانی ادبیات فارسی مدرن، انبوهی از آثار ادبی نوشته شدند. در میان این آثار، «آینه‌ی شهریاران» در خور توجه خاصی است. این ژانر که از طریق ادبیات فارسی به ادبیات عربی در اوایل قرن هشتم معرفی گردید، دوباره در طی اواخر قرن یازدهم در ایران رشد و نمو یافت. یک مثال مهم از این ژانر «قابوس‌نامه» است که توسط شاهزاده آل زیار، عنصرالمعالی کیکاوس نوشته شد، این اثر به ارائه گوناگونی فرهنگ اسلامی در دوران پیش از مغول می‌پردازد. همزمان، نظام الملک، وزیر مشهور سلجوقیان به نگارش اثر سیاست‌نامه پرداخت که معرفی خوبی در باب حرفه سیاستمداران براساس استانداردهای اسلامی قرون وسطی می‌باشد.

The *Seyasat-nameh* was heavily influenced by pre-Islamic Persian tradition. In the same period and environment, even a mystic like al-Ghazali felt **disposed** to write a *Nasihāt al-muluk* (Counsel for Kings), but the idealized relationship he makes between religious theory and **practical statesmanship** was not very realistic. A later mystic to compose a similar work was Sayyid Ali Hamadani (died 1385), who had settled in Kashmir and **initiated** its Sufi poetry. Others, especially in India, **exhorted** rulers in their writings.

«سیاست‌نامه» به شدت تحت تأثیر سنت فارسی پیش از اسلام قرار داشت. در آن دوره و محیط حتی عارفی همچون غزالی تمایل یافت تا به نگارش «نصیحت الملوک» بپردازد، اما رابطه ایده آلی را که او میان تئوری مذهبی و زمامداری عملی بر قرار ساخت واقعی نبود. عارف دیگری که بعدها به نگارش اثری مشابه پرداخت، سید علی همدانی بود که در کشمیر ساکن بود و شعر صوفی را آغاز کرد. دیگران به خصوص در هند، حاکمان را در نوشته‌هایشان مورد تشویق و ترغیب قرار دادند.

Summative Test

10- Which one can be regarded as the best topic for the passage?

- 1) “Mirror for Princes” and *Qabus-nameh*.
- 2) “Mirror for Princes” and *Seyasat-nameh*.
- 3) “Mirror for Princes” in Persian Literature
- 4) “Mirror for Princes” in Arabic Literature

11- Which of the following is **NOT** correct according to the above passage?

- 1) *Qabus-nameh* is an important example of the genre “Mirror for Princes”.
- 2) “Mirror for Princes” was originally introduced from Arabic into Persian.
- 3) *Qabus-nameh* presents a variety of Islamic culture in pre-Mongol times.
- 4) *Seyasat-nameh* is an important example of the genre “Mirror for Princes”.

12- Al-Ghazali work “*Nasihāt al-muluk*”

- 1) was an exact duplicate of *Seyasat-nameh*.
- 2) deemed the casual relation between religion and statesmanship.
- 3) was a great writing on Sufi poetry.
- 4) was not a realistic sample of “Mirror for Princes”.

13- The author of the passage tries to discuss the topic of the passage by

- 1) elaborating on the historical events of the topic.
- 2) narrowing down the concept of “Mirror for Princes”.
- 3) comparing different subclasses of the topic.
- 4) recounting the advantages and the disadvantages

14- The underlined word “initiate” in the second paragraph is closest in meaning to:

- 1) commence
- 2) abhor
- 3) resolve
- 4) obligate

Answers

۱۰- گزینه «۳» کدام گزینه می‌تواند عنوان مناسبی برای متن در نظر گرفته شود؟

- (۱) آینه‌ی شهریاران و قابوس‌نامه
(۲) آینه‌ی شهریاران و سیاست‌نامه
(۳) آینه‌ی شهریاران در ادبیات فارسی
(۴) آینه‌ی شهریاران در ادبیات عربی

۱۱- گزینه «۲» کدام‌یک از گزینه‌های زیر در ارتباط با متن بالا درست نمی‌باشد؟

- (۱) قابوس‌نامه، مثال مهمی درباره ژانر «آینه شهریاران» می‌باشد.
(۲) آینه‌ی شهریاران در اصل از زبان عربی به فارسی معرفی گردید.
(۳) قابوس‌نامه نوعی از فرهنگ اسلامی در دوران پیش از مغول است.
(۴) سیاست‌نامه مثال مهمی درباره ژانر «آینه شهریاران» می‌باشد.

۱۲- گزینه «۴» «نصیحت الملوك» اثر غزالی

- (۱) رونوشت بسیار دقیقی از سیاست‌نامه است.
(۲) رابطه غیر مهمی را مابین مذهب و زمامداری در نظر می‌گیرد.
(۳) نوشته بسیار بزرگی درباره شعر صوفی است.
(۴) نمونه رئالیستی از «آینه‌ی شهریاران» نبود.

۱۳- گزینه «۱» نویسنده متن سعی دارد تا به بحث درباره موضوع متن از طریق

- (۱) توضیح درباره حوادث تاریخی موضوع بپردازد.
(۲) محدود کردن مفهوم «آینه‌ی شهریاران» بپردازد.
(۳) مقایسه زیر مجموعه‌های مختلف موضوع بپردازد.
(۴) بازگویی نقاط قوت و ضعف آن بپردازد.

۱۴- گزینه «۱» واژه خط دار شده "initiate" در پاراگراف دوم از لحاظ معنایی نزدیک است به:

- (۱) شروع کردن
(۲) تنفر داشتن
(۳) مقرر داشتن، تصمیم گرفتن
(۴) متعهد کردن، مکلف کردن

Qita and Robai

Collections of qitas (fragments) and robaiyat (quatrains) are to be found in almost all the divans of the **court** poets. These short poems were the coinage of literary communication, used for the exchange of **repartees** in a conversation between a poet and his patron or among poets and **courtiers**. Often these poems were **improvisations** that were later written down because the **wittiness** displayed in them was highly appreciated. Their **contents** could be of all kinds. Qitas were used for **topical** poems, **satires**, and light verse. Robaiyat were **assembled** in **anthologies**. They provide **glimpses** into literature written outside the courts.

قطعه و رباعی

مجموعه‌های قطعه و رباعیات در تمامی دیوان‌های شاعران درباری دیده می‌شود. این گونه‌های شعری ابداعی از ارتباطات ادبی بودند که برای رد و بدل کردن حاضر جواب‌گویی‌ها در مکالمات مابین شاعر و حامی آن و یا میان شاعران و درباریان صورت می‌گرفت. اغلب این اشعار بدیهه‌گویی‌هایی بودند که بعدها نوشته می‌شدند زیرا که بذله‌گویی‌های موجود در این آثار به شدت تقدیر می‌شد. محتوای آن‌ها می‌توانست از هر نوعی باشد. قطعه در اشعار موضوعی، هجو و اشعار خنده‌دار به کار می‌رفت. رباعیات در گلچین‌ها جمع آوری می‌شد. آنها نگاه‌هایی را به ادبیتانی که در خارج از دربار نوشته می‌شد، فراهم می‌کردند.

Many **epigrams** were also handed down as poems composed by famous philosophers, scholars, and mystics. The most celebrated case is that of Omar Khayyam, a mathematician and astronomer of great **renown** who was credited with the **authorship** of robaiyat expressing a **skeptical** view of the world and **advocating hedonism** as the **sole** comfort in a life without meaning. Within a few centuries after his death, in 1131, the number of robaiyat **ascribed** to Omar grew to more than 1,000. After the English writer Edward FitzGerald translated Omar's poetry as *The Robaiyat of Omar Khayyam* (1859), Omar became to Western readers the greatest Persian poet.

بسیاری از لطائف (قطعات هجایی) توسط فلاسفه، ادبا و عرفا نگاشته شده‌اند. نمونه بارز مربوط به عمر خیام است که یک اختر شناس و ریاضی‌دان مشهور بود و نویسنده رباعیاتی بود که یک دیدگاه شک‌آلود را نسبت به این دنیا دارند و لذت‌جویی در این دنیا را به عنوان تنها آرامش در زندگی بدون معنا می‌دانند. در عرض چند قرن پس از مرگ خیام در سال ۱۱۳۱، تعداد رباعیاتی که به عمر خیام نسبت داده می‌شد به بیش از هزار رسید. بعد از اینکه ادوارد فیتز جرال در سال ۱۸۵۹ ترجمه کرد، عمر خیام در نظر خوانندگان غربی به عنوان بزرگترین شاعر فارسی مطرح گردید.

Summative Test

15- Which of the following is NOT correct about qita and robai?

- 1) They were mostly versified by poets of the court.
- 2) Qita and robai are a means of literary communication.
- 3) The content of qita and robai is limited to lyric poems.
- 4) They provide an understanding of literature outside the courts.

16- The author believes that Khayyam's popularity in the West is because of

- 1) his being mathematician and astronomer.
- 2) the large number of robaiyat ascribed to him.
- 3) his ignorance of life pleasure and comfort.
- 4) FitzGerald's English translation of robaiyat.

17- Which of the following is closest in meaning to the underlined word "advocate" in the second paragraph?

- 1) satisfy
- 2) support
- 3) classify
- 4) detest

18- If the author of this passage wishes to continue the discussion, the topic of the third paragraph would be about

- 1) robaiyat
- 2) satires
- 3) qitas
- 4) hedonism

Answers

۱۵- گزینه «۳» کدام گزینه درباره قطعه و رباعی درست نمی‌باشد؟

- (۱) این اشعار عمدتاً توسط شعرای درباری سروده شدند.
 (۲) قطعه و رباعی وسایل ارتباط ادبی هستند.
 (۳) محتوای قطعه و رباعی محدود به اشعار غنایی است.
 (۴) قطعه و رباعی، درک ادبیات را در خارج از دربار فراهم می‌آورند.

۱۶- گزینه «۴» نویسنده، اعتقاد دارد که شهرت خیام در غرب به خاطر

- (۱) ریاضیدان و اخترشناس بودن وی است.
 (۲) تعداد بسیاری از رباعیاتی است که به وی نسبت داده شد.
 (۳) بی‌توجهی وی به لذت‌های زندگی و آسایش است.
 (۴) ترجمه انگلیسی فیتز جرالذ از رباعیات وی است.

۱۷- گزینه «۲» کدامیک از گزینه‌های زیر از لحاظ معنایی به واژه خط دار شده advocate در پاراگراف دوم نزدیک می‌باشد؟

- (۱) راضی کردن (۲) حمایت کردن (۳) طبقه‌بندی کردن (۴) تنفر داشتن

۱۸- گزینه «۳» اگر نویسنده این متن بخواهد بحث را ادامه دهد، موضوع پاراگراف سوم احتمالاً درباره خواهد بود.

- (۱) رباعیات (۲) هجوها (۳) قطعه‌ها (۴) لذت‌گرایی

Qasidah and Ghazal

The *qasidah* (literally "purpose poem"), a genre whose form was **invented** by pre-Islamic Arabs, has from 20 to more than 100 verses and usually contains an account of the poet's journey. In the classic **pattern**, the parts followed a fixed **sequence**, beginning with a love-poem **prologue** (*nasib*), followed by a description of the journey itself, and finally reaching its real goal by **flattering** the poet's patron, sharply attacking some adversaries of his tribe, or else indulging in measureless self-praise.

قصیده و غزل

قصیده (که به صورت تحت‌اللفظی به معنای شعر قصد می‌باشد) ژانری است که فرم آن توسط شاعران عربی پیش از اسلام ساخته شد و شامل ۲۰ تا ۱۰۰ بیت و گزارشی از سفر شاعر می‌باشد. در الگوی کلاسیک، بخش‌های شعری یک ترتیب ثابت را دنبال می‌کنند که با یک مقدمه شعری عاشقانه آغاز می‌شود و با توصیفی از خود سفر دنبال می‌گردد و نهایتاً به غایت خود از طریق تملق کردن از حامی شاعر دست می‌یابد و با صراحت به برخی از دشمنان قبیله او حمله کرده و یا اینکه غرق خود ستایی بی‌اندازه می‌شود.

Answers

۳۰- گزینه «۳» بر اساس متن بالا، کدام یک از گزینه‌های زیر درست نمی‌باشد؟

- (۱) نظامی به خاطر تکنیک مجموعه اشعار پنج گانه مشهور است.
 (۲) زبان نظامی بر یک خواننده معمولی زیاد قابل فهم نیست.
 (۳) نظامی، سبک غیر واقعی رسمی را برای سرایش اشعارش انتخاب کرد.
 (۴) هفت پیکر بزرگترین شاهکار مجموعه اشعار پنج گانه نظامی است.

۳۱- گزینه «۴» کدام یک از آثار نظامی، مطالعه فلسفی را از تصویر اخلاقی و طرز برخورد یک حاکم ارائه می‌دهد؟

- (۱) خسرو و شیرین (۲) لیلی و مجنون (۳) مخزن الاسرار (۴) اسکندر نامه

۳۲- گزینه «۳» این جمله که «با الهام گرفتن از شاعران حماسه سرای فارسی همچون فردوسی و سنایی، نظامی خود را به عنوان اولین شاعر بزرگ داستان سرا مطرح ساخت» بر این مطلب تاکید می‌کند که نظامی

- (۱) به ویژگی (المان) حماسه در آثارش اشاره کرده و در مورد آنها به روشنی و به تفضیل توضیح داده است.
 (۲) بر اشعار حماسی فردوسی و سنایی تأثیر گذاشته است.
 (۳) به شدت توسط فردوسی و سنایی تحت تأثیر قرار گرفت.
 (۴) علاقه‌ای به فردوسی و سنایی نداشت.

۳۳- گزینه «۴» کدام یک از واژگان زیر از لحاظ معنایی به کلمه folklore در پاراگراف دوم نزدیک است ؟

- (۱) تعیین کننده (۲) نیرومند (۳) کامیاب (۴) سنتی، مرسوم

۳۴- گزینه «۲» با تأکید بر اصالت و وضوح سبک نظامی، نویسنده متن اشاره بر این مطلب دارد که نظامی از خودداری کرد.

- (۱) فرمالیسم (۲) دزدی ادبی (۳) قهرمانی (۴) رئالیسم

Definitions

Acceptance: The idea rapidly gained acceptance in political circles.

پذیرش: این ایده به سرعت در مجامع سیاسی پذیرفته شد.

Adherent: She has been an adherent of the Communist Party.

پیرو، طرفدار: او یکی از پیروان حزب کمونیست می‌باشد.

Aphorism: Aphorism is a short clever saying which is intended to express a general truth: *Oscar Wilde was famous for such aphorisms as 'Experience is the name everyone gives to their mistakes'.*

کلام قصار: این کلمه به گفته هوشمندانه و کوتاه اطلاق می‌شود که قصد در بیان یک حقیقت کلی دارد: اسکار وایلد به خاطر این کلام قصارش مشهور است: «تجربه نامی است که هر فرد به اشتباهاتش می‌دهد».

Acquire: During this period he acquired a reputation as a competent actor.

بدست آوردن، کسب کردن: در طول این مدت او شهرتی را به عنوان یک هنرپیشه شایسته بدست آورد.

Aptly: We spent a week at the aptly named Grand View Hotel.

بدرستی: ما هفته‌ای را در هتلی که بدرستی هتل «گران‌د ویو» نامیده شده بود سپری کردیم.

Absurdity: The Absurdity of human life

پوچی: پوچی زندگی انسانی

Attraction: The opportunity to travel is one of the main attractions of this job.

جذابیت: فرصت سفر کردن یکی از جذابیت‌های این شغل است.

Attribute: Most experts have attributed the drawing to Michelangelo.

نسبت دادن: بسیاری از متخصصان این طراحی را به میکلانژ نسبت داده‌اند.

Acquaintance: Unfortunately, my acquaintance with Spanish literature is rather limited.

آشنایی: متأسفانه آشنایی من با ادبیات اسپانیایی نسبتاً محدود (بسیار کم) است.

Anecdotes: Anecdote is a short often amusing story, especially about something someone has done: *He told one or two amusing anecdotes about his years as a policeman.*

حکایت: حکایت یک داستان کوتاه سرگرم کننده درباره امری است که فردی آن را انجام داده است: او یک و یا دو حکایت سرگرم کننده را درباره زمان مامور پلیس بودنش گفت.

Apothecary: Apothecary is a person who in the past made and sold medicines.

عطار: عطار به فردی اطلاق می‌شود که در گذشته در امر ساخت و فروش دارو بوده است.

Allegory: Allegory is a story, play, poem, picture or other work in which the characters and events represent particular qualities or ideas, related to morality, religion or politics: *The play can be read as allegory.*

تمثیل: تمثیل یک داستان، نمایش‌نامه، شعر، تصویر و یا هر اثر دیگری است که در آن شخصیت‌ها و یا رویدادها کیفیت‌ها و یا ایده‌های خاصی را که مربوط به اخلاقیات، مذهب و یا سیاست هستند، ارائه می‌دهند: این نمایش‌نامه می‌تواند به عنوان تمثیل خوانده شود.

Admire: I really admire people who can work in such difficult conditions.

تحسین کردن: من واقعاً انسان‌هایی را که در چنین شرایط مشکلی کار می‌کنند تحسین می‌کنم.

Bigoted: She's so bigoted that she refuses to accept anyone who doesn't think like her.

متعصب و سرسخت: او بسیار متعصب و سرسخت است و از پذیرفتن فردی که همانند او فکر نمی‌کند اجتناب می‌کند.

Collection: A valuable poem collection

مجموعه: یک مجموعه ارزشمند شعری

Community: Drug trafficking is a matter of considerable concern for the entire international community.

جامعه، اجتماع: قاچاق مواد مخدر مسأله‌ای است که از نگرانی ویژه‌ای برای تمامی جامعه بین‌المللی برخوردار می‌باشد.

Considerable: The fire caused considerable damage to the church.

قابل ملاحظه: آتش‌سوزی، آسیب قابل ملاحظه‌ای را به کلیسا وارد ساخت.

Celebrated: A celebrated opera singer

مشهور: یک خواننده مشهور اپرا

Contribute: She contributes to several magazines.

همکاری کردن: او با چندین مجله همکاری می‌کند.

Cultivate: She has cultivated an image as a tough negotiator.

ایجاد کردن، نشان دادن: او به عنوان یک مذاکره کننده تصویر جدی از خود نشان داد.

Cynicism: He's often been accused of cynicism in his attitude towards politics.

بدبینی: او همواره در طرز برخوردش با مسائل سیاسی به بدبینی متهم شده است.

Classical: Sadi is one of our greatest classical poets.

کلاسیک: سعدی یکی از شاعران بزرگ کلاسیک ماست.

Conventional - convention: In many countries, it is the/a convention to wear black at funerals.

سنتی - سنت: در بسیاری از کشورها، پوشیدن لباس مشکی در مراسم تشییع جنازه یک سنت (عرف) است.

Court: He lost his popularity at court.

دربار: او محبوبیتش را در دربار از دست داد.

Colloquial: Colloquial words and expressions are informal and more suitable for use in speech than in writing.

محاوره‌ای: واژگان و یا عبارت‌های محاوره‌ای غیررسمی هستند و کاربرد آنها در گفتار بیشتر از حالت نوشتاری است.

Couplet: A couplet is a pair of lines of meter in poetry. It usually consists of two lines that rhyme and have the same meter

بیت: بیت کوچک‌ترین واحد کامل در شعر (کلاسیک) فارسی است که دو مصرع یا مصراع را شامل می‌شود.

Criticize: We're a group of artists who meet to discuss and criticize each other's work.

نقد کردن: ما گروهی از هنرمندان هستیم که برای بحث کردن و نقد کردن آثار همدیگر ملاقات می‌کنیم.



Compose: He composed this poem for his wife. **سرودن:** او این شعر را برای همسرش سرود.

Consult: This afternoon the Prime Minister was consulting with his advisors. **مشورت کردن:** در این بعد از ظهر، نخست وزیر با مشاورانش مشورت خواهد کرد.

Celebrate: We always celebrate our wedding anniversary. **جشن گرفتن:** ما همواره سالگرد ازدواجمان را جشن می‌گیریم.

Chronicle: A chronicle of the French Revolution **تاریخچه:** تاریخچه انقلاب فرانسه

Dedicate (v.) – dedication (n.): The book is dedicated to the author's husband. **تقدیم کردن (فعل) – اهدا (اسم):** این کتاب به همسر نویسنده تقدیم شده است.

Descendant: We should leave to our descendants a clean world to live in. **نوادگان:** ما باید دنیایی پاک را برای زندگی کردن در اختیار نوادگانمان قرار دهیم.

Designate: Mr. Rezayee has been designated to organize the meeting. **انتخاب کردن، برگزیدن:** آقای رضایی برای سازماندهی کردن جلسه ملاقات انتخاب شده است.

Devotion: The soldier's courage and devotion to duty **از خود گذشتگی:** شهامت و از خودگذشتگی سرباز نسبت به وظیفه‌اش

Dilemma: She faces the dilemma of disobeying her father or losing the man she loves. **مشکل غامض، وضع دشوار، دو راهی:** او با دو راهی نافرمانی از پدرش و یا از دست دادن مردی که دوست دارد مواجه شده است.

Device: A device is a method which is used to produce a desired effect: *A literary/rhetorical device* **آرایه:** آرایه، متدی برای تولید یک تأثیر مطلوب می‌باشد: آرایه ادبی و یا بلاغی

Discourse: A discourse is a speech or piece of writing about a particular, usually serious, subject: *A discourse on the nature of life after death* **گفتمان:** گفتمان سخن و یا نوشته‌ای درباره یک موضوع جدی و ویژه می‌باشد: گفتمانی درباره ماهیت زندگی پس از مرگ

Didactic: Didactic literature intends to teach people morals. **تعلیمی:** ادبیات تعلیمی قصد دارد تا اخلاقیات را به مردم یاد دهد.

Debauchery: A life of debauchery **عیاشی، هرزگی:** زندگی هرزه گونه (زندگی پر از فسق و فجور)

Distinguish: It's important to distinguish between business and pleasure. **متمایز ساختن:** متمایز کردن کار و تفریح بسیار مهم است.

Etymology: Etymology is the study of the origin and history of words, or a study of this type relating to one particular word: *A list of selected words and their etymologies is printed at the back of the book.*

ریشه‌شناسی: ریشه‌شناسی مطالعه اصل و پیشینه کلمات یا مطالعه از این نوع مرتبط با واژه‌های خاص است: تعدادی کلمه انتخاب شده و ریشه‌شناسی آنها در پایان کتاب آورده شده است.

Epic: Epic refers to a film, poem or book which is long and contains a lot of action, usually dealing with a historical subject. Epic especially refers to long narrative poem recounting heroic deeds: *This film is one of those old Hollywood epics with a cast of thousands.*

حماسه، اثر حماسی: اثر حماسی به فیلم، شعر و یا کتابی اطلاق می‌شود که طولانی است و اقدامات بسیاری در آن صورت می‌گیرد و با یک موضوع تاریخی سر و کار دارد. حماسه معمولاً به اشعار بلند روایی اطلاق می‌گردد که اعمال حماسی را حکایت می‌کند: این فیلم یکی از آن حماسه‌های قدیمی هالیوودی است که شامل هزاران بازیگر می‌باشد.

Folklore: Folklore refers to the traditional stories and culture of a group of people: *Her books are often based on folklore and fairy-tales.*

فولکلور: فولکلور به داستان‌های قدیمی و فرهنگ گروهی انسان‌ها اطلاق می‌شود: کتاب‌های او اغلب بر اساس داستان‌های فولکلور و داستان‌های پریان می‌باشد.

Forgery: He increased his income by forgery. **جعل اسناد، تقلب:** او درآمدش را از طریق تقلب افزایش داد.

Famous: Khayyam is famous for his contribution to science and poetry.

مشهور: خیام به خاطر سهمش (همکاری و کمکش) در علم و شعر مشهور می‌باشد.

Fate: His fate is now in the hands of the jury.

سرنوشت: هم اکنون سرنوشت او در دستان هیأت منصفه است.

Figure: There are several outstanding figures in the Persian literature.

چهره: چهره‌های برجسته‌ای در ادبیات فارسی جود دارند.

Glorious: A glorious victory

مجلل، با شکوه: یک پیروزی باشکوه

Ghazal (Ghazel, Gasal, or Gazel): In Islamic literature, ghazal is a genre of lyric poem, generally short and graceful in form and typically dealing with themes of love.

غزل: در ادبیات اسلامی غزل در زیر مجموعه شعر غنایی قرار می‌گیرد و به طور کلی از لحاظ فرم، شعر کوتاه محسوب می‌شود و معمولاً به موضوعات عاشقانه می‌پردازد.

Gradually: Gradually, she realized that her husband wasn't telling her the truth.

بتدریج: به تدریج او متوجه شد که همسرش حقیقت را به او نمی‌گوید.

Genuine: If it is a genuine Michelangelo drawing, it will sell for millions.

اصلی، اصیل: اگر این طراحی اصیل از میکلائژ باشد، میلیون‌ها فروش خواهد کرد.

Genre: Genre is a distinctive type or category of literary composition, such as the epic, tragedy, comedy, novel, and short story: *What genre does the book fall into - comedy or tragedy?*

ژانر: ژانر نوع و یا گونه‌ای مشخص از یک قطعه ادبی است. حماسه، تراژدی، کمدی، رمان، و یا داستان کوتاه مثال‌هایی از ژانر ادبی هستند: این کتاب جزء کدام ژانر قرار می‌گیرد - کمدی یا تراژدی؟

Hypocrisy: He can't tolerate hypocrisy in his office

ریاکاری: او نمی‌تواند ریاکاری را در محیط کارش تحمل کند.

Humorous: Her latest book is a humorous look at teenage life.

فکاهی: آخرین کتاب او یک نگاه فکاهی به زندگی نوجوانی دارد.

Influential: Johnson was influential in persuading the producers to put money into the film.

مؤثر: جانسون در ترغیب کردن تولیدکنندگان برای سرمایه‌گذاری در صنعت فیلم بسیار مؤثر بود.

Impact: The new proposals were intended to soften the impact of the reformed tax system.

تأثیر: پیشنهادات جدید قصد دارند تا تأثیر سیستم مالیاتی اصلاح شده را تعدیل کنند.

Intensify: Fighting around the capital has intensified in the last few hours.

شدت یافتن: درگیری در اطراف پایتخت در طول چند ساعت پیش شدت یافته است.

Invasion: They were planning to begin an invasion of Iraq.

تهاجم: آنها در حال برنامه ریزی برای شروع تهاجم به عراق هستند.

Intelligible: Her English was strongly accented but quite intelligible.

قابل درک، قابل فهم: زبان انگلیسی او به شدت پر لهجه ولی کاملاً قابل فهم بود.

Incorporate: Suggestions from the survey have been incorporated into the final design.

جا دادن: پیشنهادات کلی از تحقیق در طرح نهایی جا داده شده اند.

Inspiration: The golden autumn light provided the inspiration for the painting.

الهام: نور طلایی پاییز الهام بخش این نقاشی است.

Intersperse: This book is interspersed with photos

پراکنده کردن: عکس‌ها در این کتاب پراکنده شده‌اند.

Legendary: Was King Arthur a real or a legendary character?

افسانه‌ای: آیا شاه آرتور یک شخصیت واقعی بود و یا افسانه‌ای؟



Lyric: Lyric poetry expresses the thoughts and feelings of the poet: *Hafez was a lyric poet.*

شعر غنایی: شعر غنایی به بیان احساسات و تفکرات شاعر می‌پردازد: حافظ شاعر (شعر) غنایی است.

Lecture: She travelled widely in North America, lecturing on women's rights.

سخنرانی کردن: او به طور وسیع به مسافرت در امریکای شمالی پرداخت در حالی که به سخنرانی درباره حقوق زنان می‌پرداخت.

Literally: You'll lose marks if you translate too literally

تحت اللفظی: اگر به صورت تحت اللفظی (کلمه به کلمه) ترجمه کنید، نمره تان را از دست خواهید داد.

Meter: A meter is a poetic measure; arrangement of words in regularly measured, patterned, or rhythmic lines or verses.

وزن (شعری): یک مقیاس شعری است: وزن شعر ایجاد نظم و هماهنگی در طول مصراع‌ها و چیدمان هجاهای هر مصراع است.

Mythical: Start living life here and now instead of waiting for that mythical day

اسطوره‌ای: به جای منتظر ماندن درباره آن روز اسطوره‌ای، زندگی را از همین حالا هم اکنون شروع کنید.

Majestic: Majestic castle

با شکوه: قلعه باشکوه

Mystical – mystic: A mystic someone who attempts to be united with God through prayer

عرفانی – عارف: عارف به فردی اطلاق می‌شود که از طریق نماز و دعا سعی در نزدیک شدن به خداوند را دارد.

Movement: The universal movement

جنبش، نهضت: نهضت جهانی

Motif: The motif of betrayal and loss is crucial in all these stories.

نقش مایه، درون‌مایه: نقش مایه خیانت و خسران در تمامی این داستان‌ها بسیار مهم و تعیین کننده است.

Mysticism: A strain of mysticism runs through all Rumi's poems.

تصوف، عرفان: رگه‌هایی از عرفان در سرتاسر اشعار رومی دیده می‌شود.

Manifestation: She claimed that the rise in unemployment was just a manifestation of the government's incompetence.

ظهور، تبلور: او ادعا کرد که افزایش بیکاری فقرا، تبلور بی‌کفایتی دولت بود.

Masterpiece: 'The Last Supper' is regarded as Leonardo da Vinci's masterpiece.

شاهکار: تابلوی «شام آخر» به عنوان شاهکار داوینچی در نظر گرفته می‌شود.

Medieval: A medieval manuscript

قرون وسطی: نسخه خطی قرون وسطی

Masnawi: Masnawi is a series of distichs (couplets) in rhymed pairs (aa, bb, cc, and so on) that makes up a characteristic type of Persian verse, used chiefly for heroic, historical, and romantic epic poetry and didactic poetry.

مثنوی: مثنوی یک سری از ابیات در ساختار قافیه‌ای (aa, bb, cc, dd, ...) می‌باشد که در اشعار حماسی، تاریخی، رمانتیک و تعلیمی به کار می‌رود.

Moralize: Another outstanding feature of this genre is its didactic and moralizing character.

نتیجه اخلاقی گرفتن از، اخلاقی کردن: ویژگی برجسته دیگر این ژانر، خصوصیات تعلیمی و اخلاق‌گرایانه آن می‌باشد.

Masterwork: Masterwork is a work of art such as a painting, film or book which is done or made with great skill, and is often a person's greatest work: *'The Last Supper' is regarded as Leonardo da Vinci's masterwork.*

شاهکار: شاهکار، اثری هنری همچون نقاشی، فیلم و یا کتابی است که با مهارت زیادی انجام یافته و بزرگترین اثر آن فرد در نظر گرفته می‌شود: تابلوی نقاشی «شام آخر» به عنوان شاهکار داوینچی در نظر گرفته می‌شود.

Narrative: a narrative is a story or a description of a series of events: *It's a moving narrative of wartime adventure.*

حکایت، روایت: یک داستان و یا توصیفی از چندین رویداد می‌باشد: آن یک روایت تأثیرگذار از یک ماجراجویی در زمان جنگ بود.

Originality: We were impressed by the originality of the author's work.

اصالت: ما توسط اصالت اثر نویسنده تحت تأثیر قرار گرفتیم.

Obtain: First editions of these books are now almost impossible to obtain.

بدست آوردن، گرفتن: بدست آوردن ویرایش اولیه این کتاب‌ها هم اکنون تقریباً غیر ممکن است.

Ode: Ode is a poem expressing the writer's thoughts and feelings about a particular person or subject, usually addressed to that person or subject.

شعر خطابی (قصیده): شعر خطابی شعری است که احساسات نویسنده را در مورد یک شخص یا موضوع خاص بیان می‌کند و معمولاً آن شخص یا موضوع را مورد خطاب قرار می‌دهد. (Ode را می‌توان نوعی «شعر خطابی» دانست، همچنان که «قصیده» به معنی «قصیده شده برای چیزی یا کسی» است.)

Overthrow: Rebels intend to overthrow the government.

سرنگون کردن: افراد یاغی قصد سرنگون کردن دولت را دارند.

Occupy: The building was purchased and occupied by its new owners.

اشغال کردن، به کار گرفته شدن: ساختمان در سال پیش خریداری گردید و توسط صاحبان جدید آن به کار گرفته شد.

Preface: A preface an introduction at the beginning of a book explaining its aims: *In his preface, the author says that he took eight years to write the book.*

مقدمه: دیباچه‌ای در ابتدای کتاب که به معرفی اهداف آن می‌پردازد. در بخش مقدمه، نویسنده می‌گوید که نوشتن کتاب هشت سال به طول انجامیده است.

Prose: I've always preferred reading prose to poetry.

نثر: من همواره خواندن نثر را به شعر ترجیح داده‌ام.

Persuade: He is trying to persuade local and foreign businesses to invest in the project.

ترغیب کردن: او سعی می‌کند تا کسب و کار محلی و خارجی را برای سرمایه‌گذاری در پروژه ترغیب کند.

Panegyric: Panegyric is a speech or piece of writing that praises someone greatly and does not mention anything bad about them.

مدیحه: مدیحه گفتار و یا نوشته‌ای است که فردی را به شدت مورد تحسین قرار می‌دهد و مطلبی بد در مورد آنها ذکر نمی‌کند.

Patronage: The Conservative Party enjoys the patronage of the business community.

حمایت: حزب محافظه کار از حمایت جامعه تجاری بهره‌مند می‌شود.

Perfection: the perfection of his performance

کمال، حد اعلی: حد اعلی اجرای او

Poetry: I am interested in contemporary poetry and prose.

شعر: من به شعر و نثر معاصر علاقه‌مندم.

Proverb: Have you heard this well-known proverb that "love is blind"?

ضرب‌المثل: آیا این ضرب‌المثل مشهور را شنیده‌اید که آدم عاشق کور است؟

Popularization (n.) - popularize (v.): It was Luciano Pavarotti in the 1980s that really popularized opera.

محبوب، دوست داشتنی (اسم) - محبوب کردن (فعل): لوسیانو پاوروتی بود که در دهه ۱۹۸۰ واقعا اپرا را محبوب ساخت.

Perilous: The country roads are quite perilous.

خطرناک: جاده‌های کشور کاملاً خطرناک هستند.

Preacher - preach: The teacher is always preaching about the virtues of working hard and getting up early.

واعظ - موعظه کردن: معلم همواره در حال موعظه کردن خوبی‌های سخت کار کردن و زود بیدار شدن است.

Piety: Piety is the most basic moral quality.

پارسایی، تقوا: پارسایی اساسی‌ترین کیفیت اخلاقی است.

Portrait: Her latest novel paints a very vivid portrait of the aristocracy in the 1920s.

نقاشی، تصویر، عکس: رمان اخیر او تصویر بسیار شفافی را از طبقه اشراف در دهه ۱۹۲۰ ارائه می‌دهد.

Qasida (kasida, qasidah): Qasida is a poetic form developed in pre-Islamic Arabia and perpetuated throughout Islamic literary history into the present.

قصیده: قصیده فرم شعری است که در عربستان پیش از ظهور اسلام توسعه یافت و از طریق تاریخچه ادبی - اسلامی تا زمان حال ادامه یافته است.

Reliable: Reza is very reliable, if he says he'll do something, he'll do it.

قابل اطمینان، معتبر: رضا فرد بسیار قابل اطمینانی است، اگر او بگوید که کاری را انجام خواهد داد، (حتماً) آن را انجام خواهد داد.

Refuge (n.): These people are seeking refuge from the storm.

پناهگاه: مردم به دنبال پناهگاهی از طوفان هستند.

Recitation: saying a piece of writing aloud from memory: *He gave a beautiful recitation of some poems by Sadi.*

از حفظ خوانی، از بر خوانی: قسمتی از نوشته را از حفظ و با صدای بلند ادا کردن: او برخی از شعرهای سعدی را از حفظ و با صدای بلند ارائه کرد.



نقل قول مستقیم و غیرمستقیم Direct and Indirect speech

۱- انتقال یک گفتار بدون کوچکترین تغییر را نقل قول مستقیم گویند. در نقطه مقابل، انتقال گفتار با تغییر در ساختار جمله توسط انتقال دهنده را نقل قول غیرمستقیم می‌گویند.

He said , " I go to university every day."

کج مثال ۷۱: نقل قول مستقیم

He said that he went to university everyday.

نقل قول غیرمستقیم

۲- برای نقل قول مستقیم موارد ذیل باید رعایت شوند:

۲-۱- بعد از فعل اصلی، علامت (,) یا (:) قرار می‌گیرد.

۲-۲- گفتار نقل شده بین (".....") قرار می‌گیرد.

۲-۳- اولین حرف گفتار نقل قول شده، با حرف بزرگ نوشته می‌شود. (به مثال ۷۱ توجه کنید).

۳- برای تبدیل یک جمله مستقیم خبری به غیرمستقیم موارد ذیل باید رعایت شوند:

۳-۱- علامت (,) را بعد از فعل ناقل حذف می‌کنیم و بلافاصله کلمه ربط **that** را اضافه می‌کنیم.

۳-۲- زمان جمله مستقیم را به شرح بند ۴ تبدیل می‌کنیم و علامت (".....") را حذف می‌کنیم.

۳-۳- ضمائر فاعلی، صفات ملکی، ضمائر مفعولی و برخی از قیود را تغییر می‌دهیم. (به مثال ۷۱ توجه شود)

۴- جدول تبدیل زمان‌ها موضوع بند ۳-۲ به شرح زیر است:

نقل قول مستقیم	→	نقل قول غیرمستقیم
حال ساده	→	گذشته ساده
حال استمراری	→	گذشته استمراری
گذشته ساده	→	گذشته کامل
گذشته استمراری	→	گذشته کامل استمراری
حال کامل	→	گذشته کامل
حال کامل استمراری	→	گذشته کامل استمراری
گذشته کامل	→	گذشته کامل
گذشته کامل استمراری	→	گذشته کامل استمراری
آینده ساده	→	آینده در گذشته ساده
آینده استمراری	→	آینده در گذشته استمراری
آینده کامل	→	آینده در گذشته کامل
آینده کامل استمراری	→	آینده در گذشته کامل استمراری

۵- در تبدیل نقل قول مستقیم به غیرمستقیم کلمات زیر تغییر می‌یابند.

Ago	→	{ Before Go
Come	→	
Here	→	{ There The week before
Last week	→	
Last year (month)	→	{ The previous week The year (month) before The previous year (month)
Last night	→	
Just	→	The night before
Bring	→	The previous night
Next year (week , month)	→	Then
Now	→	Take
This	→	The following year (week , month)
These	→	Then
Thus	→	That
Today	→	Those
To night	→	So
Tomorrow	→	That day
Yesterday	→	That night
	→	{ The next day The day before
	→	

نکته ۵۴: درنقل قول غیرمستقیم اگر زمان جمله مستقیم دارای قید زمان حال باشد **must** به **had to** و اگر قید زمان گفتار مستقیم، آینده باشد **would have to** به **must** تبدیل می‌شود.

نکته ۵۵: کلمات **would rather, would, used to, should, might, ought to** و **had better, could** در گفتار غیر مستقیم تغییر نمی‌یابد.

جملات شرطی conditional sentences

۱- جملات شرطی در زبان انگلیسی از دو جزء تشکیل می‌شوند: جمله شرط **if clause** و جمله غایی **main clause**

۲- جملات شرطی در زبان انگلیسی به چهار گروه طبقه بندی می‌گردند:

۲-۱. شرطی نوع اول (آینده ممکن)

۲-۲. شرطی نوع دوم (حال غیرحقیقی)

۲-۳. شرطی نوع سوم (گذشته غیرممکن)

۲-۴. شرطی نوع چهارم (حقیقت عمومی)

۳- در شرطی نوع اول (آینده ممکن) **future possible**، جمله شرط در زمان حال ساده است و جمله غایی در زمان آینده ساده می‌آید.

If you paint that picture well, they will hang it in the exhibition. **مثال ۷۲:**

اگر آن تصویر را به خوبی رسم کنی آن را در نمایشگاه نصب خواهند کرد.

نکته ۵۶: در جملات شرطی نوع اول، جمله غایی می‌تواند با افعال ناقصی نظیر **can, must, may** بکار رود.

نکته ۵۷: در جملات شرطی نوع اول، جمله شرط می‌تواند به صورت ماضی نقلی نیز باشد.

۴- در شرطی نوع دوم (حال غیر حقیقی) **unreal present**، جمله شرط، گذشته ساده و جمله غایی، آینده در گذشته است.

If i trusted you, I would lend you some. **مثال ۷۳:** اگر به تو اعتماد داشتم، مقداری به تو قرض می‌دادم.

نکته ۵۸: در جملات شرطی نوع دوم، به جای فعل **was** در سوم شخص یا اول شخص مفرد باید از **were** استفاده کرد.

۵- در جمله شرطی نوع سوم (گذشته غیرممکن) **past impossible**، جمله شرط، ماضی بعید و جمله غایی، آینده در گذشته کامل است.

Had I seen him last week, I would have spoken to him. **مثال ۷۴:**

اگر هفته قبل او را دیده بودم، با وی سخن می‌گفتم.

۶- در جملات شرطی نوع چهارم (حقیقت عمومی) **General Truth**، هر دو جزء جمله شرط، زمان حال ساده است.

If you heat snow, it melts. **مثال ۷۵:** اگر برف را حرارت دهید، ذوب می‌شود.

نکته ۵۹: کلمه **otherwise** از ادوات شرط است و چنانچه در جمله‌ای بیاید که دلالت بر زمان حال دارد بعد از آن باید از

مصدر بدون **to + would** استفاده کرد.

کاربرد How many و How much

این عبارات جزء ادوات پرسشی هستند. **How much** قبل از اسامی غیر قابل شمارش و **How many** قبل از اسامی قابل شمارش می‌آید.

How much tea is there in the tea – pot? **مثال ۷۶:** در قوری چه مقدار چای وجود دارد؟

How many students are there absent today? امروز چند دانشجو غایب هستند؟



صفات کمی Quantitative adjectives

۱- به کلمات any , no , some ، صفات کمی گویند.

۲- any در جملات سوالی و منفی به کار برده می‌شود و قبل از اسامی، اعم از قابل شمارش و غیرقابل شمارش، با فعل مفرد و جمع به کار می‌رود.

He forbids any talking in class.

کج مثال ۷۷: او هر صحبتی در کلاس را ممنوع می‌کند.

نکته ۶۰: any می‌تواند همراه با قیود scarcely , rarely , hardly , barely با فعل مثبت بکار رود.

۳- no معادل not any است و جمله را منفی می‌کند و نیاز به not را منتفی می‌سازد.

نکته ۶۱: ضمائر نامعین any body , any one و any thing در جملات منفی و سئوالی بکار می‌روند.

I have no butter on my bread.

کج مثال ۷۸: من روی نانم کره ندارم.

۴- some در جملات مثبت و قبل از اسامی قابل شمارش و غیرقابل شمارش، با فعل مفرد و جمع به کار می‌رود.

There are some birds on the tree.

کج مثال ۷۹: تعدادی پرنده روی درخت هستند.

کاربردهای few و a few - little و a little

۱- a few و few هر دو قبل از اسامی قابل شمارش و با فعل جمع بکار می‌روند با این تفاوت که few به جمله، مفهوم منفی می‌دهد و a few مفهوم مثبت.

There were few students in the class.

کج مثال ۸۰: در کلاس تعداد دانش آموزان کم بود.

There are a few students in the class.

در کلاس دانشجویان زیادی هستند.

۲- a little و little هر دو قبل از اسامی غیر قابل شمارش و با فعل مفرد به کار می‌روند با این تفاوت که little به جمله، مفهوم منفی می‌دهد و a little مفهوم مثبت.

There is little tea in the tea – pot.

کج مثال ۸۱: چای موجود در قوری کم است.

There is a little water in the glass.

در داخل لیوان مقدار کمی آب وجود دارد.

نکته ۶۲: اگر در جمله، کلمه only وجود داشته باشد با توجه به نوع اسم به کار رفته در جمله از عبارات a few و a little استفاده می‌گردد.

کاربردهای both , either , neither

۱- both اشاره به دو شیء یا دو فرد می‌کند که همراه فعل جمع می‌آید.

Both are taller than she is.

کج مثال ۸۲: هر دو از او قد بلندترند.

۲- کلمه either به عنوان صفت، قبل از اسم مفرد و به عنوان ضمیر، در آخر جمله مثبت به کار می‌رود و فعل جمله، همواره مفرد است.

Either book is useful to learn.

کج مثال ۸۳: هر کدام از کتاب‌ها برای یادگیری مفیدند.

۳- زمانی که از neither استفاده می‌شود ظاهر جمله مثبت اما مفهوم آن منفی است و فعل جمله، همواره مفرد است.

Neither book is mine.

کج مثال ۸۴: هیچ کدام از کتاب‌ها (دو کتاب) مال من نیست.

نکته ۶۳: بعد از both , either و neither می‌توان از حرف اضافه of و ضمائر مفعولی استفاده کرد.

نکته ۶۴: عبارات (both ... and) و (either ... or) و (neither ... nor) دو جمله را به هم ربط می‌دهند.

نکته ۶۵: either ... or و neither ... nor اگر با دو اسم در حالت فاعلی به کار روند چنانچه هر دو اسم، سوم شخص مفرد باشند، فعلی که با آنها به کار می‌رود مفرد خواهد بود.